

۴۰ هزار نفر هم کارمند دولت، هم فعال بخش خصوصی

صفحه ۱۶

روزنامه خبری تحلیلی، دانشگاهی صبح ایران
صدای نخبگان، نگاه جوانان

۱۶ صفحه
۵۰۰۰ تومان

فصل جدید رادیو مضمون:
روایت سال‌های جنگ

شماره مسلسل ۲۸۷۳
شماره اول اسفند ۱۴۰۲
۱۰ شنبان ۱۴۴۵
۲۰ آفریه ۲۰۱۴
شماره ۲۰۸۵

۲۸ Feb 2024 | vol.15 | No. 4085 | 16 Pages

سینمای اجتماعی در زندان رادیکالیسم

چرا ساخت فیلم‌هایی مثل «شب، داخلی، دیوار»
کمکی به با گرفتن سینمای اجتماعی در ایران نمی‌کند؟

ماجرای بابک زنجانی از جنجالی‌ترین پرونده‌های فساد مالی به گفته مسئولان به انتهای خودش
نزدیک است، افکار عمومی در سال‌های اخیر چه واکنشی به اخبار فساد اقتصادی داشته است؟

روزی روزگاری ب.ز.



«فرهیختگان» از برگزاری رویداد صدرا در واحد یادگار امام (ره) گزارش می‌دهد

صنعت و دانشگاه در تقاطع یادگار

نیروی دریایی آمریکا بزرگ‌ترین درگیری خود پس از جنگ جهانی دوم ناکام مانده است

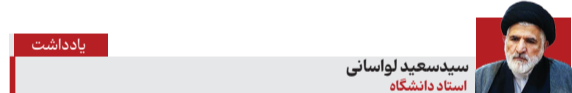
باخت سرخ

نقشه جامع علمی کشور پس از ۱۳ سال زیر ذره‌بین کارشناسان

در جست‌وجوی برنامه مساله محور

بحران آموزش و پرورش - بخش نهم

تنوع نیازها و انعطاف‌پذیری



از مباحث پیشین مشخص شد، تربیت امر گسترده‌ای است اما آیا ساختار آموزش و پرورش با نیازهای کشور و تربیت نیروهای آینده ساز کشور تناسب دارد؟ ایران، کشوری پهناور با اقلیم‌های متعدد و نیازهای متنوع است و آموزش و پرورش باید نیروهای مورد نیاز آن را تربیت کند و تعلیم و آموزش آن مناسب با همین نیازها باشد. این مساله در آموزش عالی هم مطرح است اما بحث ما درباره آموزش و پرورش است و به آن بسنده می‌کنیم. توانمندسازی که نظام آموزشی ما باید نسبت به آن اقدام کند، هم توجه به استعداد دانش‌آموزان است و هم نیازهای متنوع کشور. این نظام باید افرادی را تربیت کند که در آینده مشاغل مختلف را در دست بگیرند و به شغل خود علاقه مند باشند، نه اینکه از سر ناچاری به آن تن داده باشند یا اگر استعدادی و نخبگی دارند، به فکر مهاجرت از کشور و رحل اقامت در کشورهای بیگانه باشند. دانشگاه یکی از مسیرهای حرکتی دانش‌آموزان آموزش و پرورش است. اما نباید همه مسیرها به آن ختم شود. چقدر کشور کارشناس و کارشناس ارشد و حتی دکترای بیکار دارد؟ و چه مشاغلی است که متقاضی ندارند؟ و از این رهگذر چقدر نارضایتی ایجاد می‌شود؟ حتی کسانی که به دانشگاه می‌روند، باید سنجیده شود که چه نیازی از کشور را برآورده خواهند کرد؟ استعدادهایی و نیازسنجی باید از مدرسه شروع شود و دانشگاه دیر است. بسیاری از عمرها در این جهت تلف می‌شود. در این راستا چه باید کرد؟

نظام پرورشی و آموزشی ایران، باید انعطاف‌پذیر شود. آیا این روش درست است که در آموزش و پرورش سازمانی تحت عنوان سازمان تالیف کتب درسی است و یک استاندارد را برای همه دانش‌آموزان در نظر می‌گیرد؟ آیا نیاز دانش‌آموزان ما یکسان است که آموزش آنان یکسان باشد؟ اقلیم و اقوام متعدد و متنوع نیاز به تنوع آموزش دارد، ضمن اینکه اصول تربیتی و آموزشی ثابت هستند اما نوع آن باید از تنوع برخوردار باشد و یکی از اصول تحولی تربیت توجه به همین نکته است. واقعیت این است که سازمان آموزش و پرورش در مقابل هر تحولی ایستادگی دارد و هرگونه تحول بنیادین را ناروا می‌داند. این تازه بخشی از مشکل است که نظامات دولتی در مقابل تحول مقاومت دارند و به شدت انعطاف‌ناپذیرند اما مشکل دیگر موانع بیرونی. اعم از ساختارهای دولتی، چون سازمان مدیریت و عوامل بیرون دولت است. نیازهای کشور متنوع است و مناطق آن چیز دیگری را می‌طلبد. ما حتی شاید در یک استان نیازمند استانداردهای متنوع باشیم. ما مخالف استانداردهای نیستیم اما تنوع در استانداردها به توجه به نیازها و واقعیات ضروری است. به تعبیر دیگر هرچیز و هرچیز در نظام تعلیم و تربیتی و اقدامات بیرون از حاکمیت دولت، نادرست است، حتی اگر ظاهری موجه داشته باشد. اما این نظام هم نباید سخت و صلب باشد. بنابراین باید نیازها را شناخت، هم نیازهای آموزشی و هم منطقه‌ای را و تعلیم و تربیت متناسب با نیازها سامان یابد. این یک مشکل.

مشکل دیگر حافظه محوری و سرازیر کردن اطلاعات بی‌شمار و نامفید در ذهن دانش‌آموزان است. حافظه محوری، مشکلی است که ذهن دانش‌آموز را با یک سری اطلاعات پرمی‌کند که به کار مسابقات بی‌محتوای تلویزیونی می‌خورد. اما آنان متناسب با نیازهای کشور تربیت نشده‌اند، به گونه‌ای که حتی توان حل مشکلات شخصی خودشان را نیز ندارند، چه برسد به معضلات و مشکلات کشور و جهان! اما آیا این مشکلات قابل حل نیستند؟ چنین نیست، پس راه آن کدام است؟ انعطاف‌پذیری عاقلانه و تحول‌پذیری مثبت در جهت تغییرات بنیادین در نظام تربیتی و تعلیمی کشور! اما آیا وزارتخانه‌ای که بی‌ثباتی مدیریتی جزء ذات دوم آن شده است، توان دارد به مسائل و نیازهای اساسی کشور توجه کند؟ گاهی که به این موضوع توجه می‌کنیم،

نگران می‌شویم که شاید دست‌هایی در کار است که آموزش و پرورش آرامش نگیرد تا وزیر و مدیران نتوانند درباره مسائل اساسی آموزش و پرورش اندیشه کنند. هنوز وزیر نیامده بحث استیضاح وی کلید می‌خورد و مواردی در آن قید می‌شود که مربوط به دوران گذشته است و او هیچ دخالتی در آن نداشته، بلکه هنوز سوار کار خود نشده است. از سوی دیگر اگر وزیر با مجلس هماهنگ باشد، از سوی دولت منفی تلقی می‌شود و به اولین بهانه عذر او را می‌خواهند! این درحالی است که آموزش و پرورش نقشی بی‌بدیل در فرآیند تحقق اهداف نظام و کشور دارد و باید از استحکام درونی لازم برخوردار باشد که از جمله آنها ثبات مدیریتی است. متوسط عمر وزرای آموزش و پرورش در سال‌های گذشته کمتر از دو سال بوده است! این یعنی ناکارآمدی این نهاد مهم تربیتی و تعلیمی! این امر بازی در زمین دشمن و نفع دشمن و برخلاف مردم کشور و مبانی انقلاب است. این را اضافه کنید به فشارهای بیرونی به وزیر و مدیران به ویژه از سوی برخی نمایندگان مجلس و برخی عناصر مداخله‌گر بی‌مسئولیت. این امر آموزش و پرورش و وزیر و معاونان آن را از وظیفه اصلی‌شان یعنی تربیت و تعلیم و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در این جهت باز می‌دارد. و چه خدمتی به دشمن بیشتر از این! حالا نام آن را هرچه می‌خواهند بگذارند.

اما اگر دنبال تحول هستیم، باید نظری به شورای عالی آموزش و پرورش داشته باشیم که نهادی بالادستی اما منفعلی است. این شورا که به ریاست رئیس جمهور برگزار می‌شود و اعضای آن هم با حکم ریاست جمهور منصوب می‌گردند و دبیر آن تقریباً قدرتی در حد وزیر یا بیش از معاون وزیر دارد، می‌تواند گام اصلی در تحول آموزش و پرورش و خروج آن از بحران را بردارد، به شرط آنکه اعضای آن صاحب نظر و فعال باشند و از آن مهم‌تر، دبیرخانه‌ای فعال داشته باشد و رئیس جمهور و وزیر هم به آن بهای لازم را بدهند. اگر بناسست ساختار کم‌تحول آموزش و پرورش اصلاح شود و متناسب با فعالیت‌های تربیتی و تعلیمی آن تحول یابد، بهترین جایگاه برای آن شورای عالی آموزش و پرورش است. ماده یک قانون تشکیل شورای عالی آموزش و پرورش تاکید دارد که این شورا «مرجع سیاست‌گذاری در حوزه وظایف آموزش عمومی و متوسطه است.» و چون مصوبات آن توسط رئیس جمهور ابلاغ می‌شود، نه تنها وزارت آموزش و پرورش بلکه همه دستگاه‌های دولتی موظف به تمکین به آن هستند. اگر این شورا به همین وظیفه اساسی عمل کند، مسیر تحول آموزش و پرورش باز می‌شود.

مشکل دیگر در تحول، سند تحول آموزش و پرورش است که در عین حالی که سندی جامع و خوب است اما نتوانسته ارتباط موثری در بدنه آموزش و پرورش برقرار کند و نه تنها معلمان و دانش‌آموزان نسبت به آن بیگانه هستند، حتی بدنه مدیریتی و شورای عالی آموزش و پرورش هم نسبت به آن بی‌تفاوتند. در یادداشت سوم درباره آن سخن گفتیم و به آن باز نمی‌گردیم. تنها اشاره می‌کنیم که باید در سند تحول به تنوع نیازها و انعطاف‌پذیری سازمان آموزش و پرورش توجه کرد. به این دلیل این سند نیاز به تحول دارد تا جبهه زبستی معلمان و دانش‌آموزان را درگیر خود کند و مدیران و شورای عالی آموزش و پرورش را به پیاده‌سازی اصول آن ترغیب نماید.

خلاصه کلام اینکه آموزش و پرورش موظف است حیات برای کودک ترسیم کند که مناسب حال او باشد تا موجب دلزدگی یا تناقض او نشود. بارها بیان کردیم که مساله اصلی تربیتی ما آن است که کودکان خود را برای زندگی جمعی در نظام جمهوری اسلامی آماده کنیم، در عین حالی که زندگی خصوصی آنان هیچ آسیبی نبیند. البته این تنها وظیفه آموزش و پرورش نیست، بلکه نهادها متعددی در آن دخیل هستند. به این دلیل دو شورای عالی یعنی شورای عالی آموزش و پرورش و شورای عالی انقلاب فرهنگی باید فعال‌تر از پیش باشند. این‌گونه اسلامی‌سازی آموزش و پرورش اتفاق خواهد افتاد، یعنی در روندی طبیعی و عینی.

ادامه دارد

مضمون

رادیو مضمون، کاری از گروه پادکست‌های همیشه در میان و روزنامه فرهیختگان

روایات
مسائل
چالش‌ها

فصل جدید رادیو مضمون منتشر شد!

@radiomazmoon